

بررسی نقش مکان‌گزینی در جنگ با تأکید بر جنگ‌های حکومت‌های صفاریان، آل‌بویه و سلجوقیان

محسن مرسل‌پور*

چکیده

بهره‌گیری از عوامل جغرافیایی از راهبردهای مهم جنگی در قرون نخستین اسلامی به شمار می‌آید. مکان‌گزینی گاه بر کران بادیه انجام می‌گرفت که عموماً بادیه‌نشینان از این روش در برابر سپاهیان منظم بهره می‌بردند. سپاهیان و مردم مناطق کوهستانی به هنگام جنگ، در کوه و دره موضع می‌گرفتند. در برخی موارد نیز مکان‌گزینی در کنار رودخانه و یا در جهت مخالف وزش باد انجام می‌شد. ضرورت تحقیق حاضر که به بازشناسی نقش مکان‌گزینی در جنگ‌ها پرداخته از این‌رو است که عموماً در تحقیقات جدید مغفول مانده و بجز یک مورد، تحقیقی در این باره انجام نشده است. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی و با واکاوی منابع دست اول تاریخی به بررسی نقش مکان‌گزینی در نتیجه جنگ‌های سده‌های نخستین اسلامی با تأکید بر مقطع صفاریان تا پایان سلجوقیان پرداخته است. پرسش اصلی مقاله این است که مکان‌گزینی چه نقشی در نتیجه جنگ‌های قرون نخست اسلام داشته است؟ در پاسخ به این پرسش نیز این مدعا مطرح شده که مکان‌گزینی با توجه به منطقه مورد سکونت و شیوه زندگی سپاهیان انجام گرفته و مکان‌گزینی با سود جستن از عوارض طبیعی، بخشی از راهبرد جنگی و از مؤلفه‌های اثرگذار در تعیین نتیجه نبرد در این دوره تاریخی به‌شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: مکان‌گزینی، جنگ، صفاریان، آل‌بویه، سلجوقیان.

مقدمه

در نتایج جنگ‌ها برخی عوامل اثرگذار بودند که یکی از آنها انتخاب راهبرد مناسب بود که گزینش مکان نیز در زمره‌ی آن قلمداد می‌شد. غالباً فرماندهان پیش از آغاز پیکار، به شناخت دقیق جغرافیای منطقه جنگی اقدام نموده و بهترین نقطه را برای استقرار خود و سپاهیان‌شان برمی‌گزیدند. ایشان در بسیاری از موارد، آگاهانه از بیابان، کوه، رودخانه یا باد برای پیروزی در جنگ سود می‌جستند. بنابراین، مکان‌گزینی یکی از استراتژی‌های مهم جنگی و مؤلفه‌ای اثرگذار در تعیین نتیجه جنگ به شمار می‌رفت.

برهه‌ی زمانی تحقیق قرون نخستین اسلامی با تأکید بر دوره‌ی آغاز حکومت صفاریان تا پایان فرمانروایی سلجوقیان است. اگرچه بسیاری از ویژگی‌های مکانی ذکر شده در سایر قرون را نیز نمی‌توان منکر شد؛ اما تحقیق حاضر به لحاظ چارچوب‌مندی و امتناع از اطنا و همچنین تسلط نسبی نویسنده بر منابع دوره‌ی تحقیق، این بخش را برگزیده است. تأکید بر مکان‌گزینی در تحقیق حاضر نافی اثرگذاری سایر عوامل نبوده و نویسنده این عامل را نیز تنها به عنوان یکی از مؤلفه‌های تعیین نتیجه جنگ به شمار می‌آورد. بر این پایه تحقیق حاضر بر اساس این پرسش اصلی تکوین یافته که مکان‌گزینی به معنای انتخاب مکان جغرافیایی مناسب برای جنگ چه تأثیری بر نتایج جنگ‌های قرون نخستین اسلامی داشته است؟ در مورد نقش مکان‌گزینی در جنگ در ادوار مختلف تاریخی، پژوهشی گسترده و مستقل به انجام نرسیده است و تنها پژوهشی که با نوشتار حاضر ارتباط دارد، پایان‌نامه‌ی «نقش مکان‌گزینی در جنگ‌های غزنویان» (امیر کمالی، ۱۳۹۴) است. البته مقاله حاضر نسبت به آن پایان‌نامه رویکرد متفاوتی داشته و تأکید اصلی خود را بر مطالعه دوره‌های صفاری، آل بویه و سلجوقیان قرار داده است.

۱- مکان‌گزینی با بهره‌گیری از مزیت صحراگردی

بهره‌گیری از بیابان در جنگ اغلب توسط صحراگردان و بادیه‌نشینان و در پیکار آن‌ها با سپاهیان متشکل انجام می‌شد. صحراگردان حسب معمول با دشت و بادیه خو گرفته بودند و جنگیدن در آن مناطق برای ایشان مزیت تلقی می‌شد. در پیش از اسلام مرزهای ایران از سوی شرق و غرب توسط صحراگردان ترک و عرب مورد تاخت و تاز قرار داشت. بادیه برای صحراگردان این مزیت را داشت که با رخ نمودن شکست، به بیابان‌ها می‌گریختند و سپاهیان متشکل ایران که سنگین اسلحه بودند نیز از پی‌جویی آن‌ها دست

می‌کشیدند. صحراگردان به‌صورت سبک اسلحه به جنگ می‌رفتند و بار و بینه چندان‌ی نداشتند. بنابراین، از تحرک زیادی در جنگ‌ها برخوردار بودند و در صورت بروز صعوبت‌هایی چون تشنگی و گرسنگی، بیش از سپاهیان متشکل قدرت، تحمل و سازگاری داشتند. ایرانیان ادوات و ابزار جنگی پیشرفته‌تری داشتند و عموماً در نبردهای رویاروی بر خصم غالب می‌شدند؛ لکن با بیابان‌خو نداشتند و بینه و ادوات جنگی سنگین که گاهی فیل را نیز شامل می‌شد، سبب کم تحرکی آنان در جنگ می‌گشت.

مکان‌گزینی با بهره‌گیری از مزیت بادیه در دو برهه از قرون نخستین اسلامی نقش برجسته‌تری داشت. نخستین جلوه‌ی بارز مکان‌گزینی در بیابان، نخستین هجوم‌های اعراب مسلمان به مرزهای جنوب غربی امپراطوری ساسانی بود. برخی اعراب حتی پیش از اسلام نیز از طریق هجوم به روستاهای مرزی و غارت کاروان‌ها و سپس گریز به بیابان امرار معاش می‌نمودند. مثنی بن حارثه یکی از اعرابی بود که در بیابان‌های مرزی ساسانیان به راهزنی می‌پرداخت. وی روستاها و کاروان‌ها را غارت می‌کرد و سپس به بیابان می‌گریخت. با گسترش قلمرو حکومت اسلامی، مثنی به مدینه رفته و اسلام پذیرفت. وی سپس به عنوان سردار مسلمانان به جنگ با ایرانیان گسیل گشت. به نظر می‌رسد که شناخت وی از بیابان‌ها و شیوه‌ی پیکار با ایرانیان نقش مهمی در تعیین او به‌عنوان سردار سپاه داشته است. در جنگ‌های ابتدایی که مسلمانان هنوز تصور به زانو درآوردن امپراطوری بزرگ ساسانی را در سر نداشتند، بر کران بیابان اردو می‌زدند. زرین‌کوب معتقد است که جنگ‌های ایرانیان با اعراب در بدو ورود مسلمانان حالت جنگ و گریز داشت و از نبرد مذار بود که نبردها به شکل منظم درآمد (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۱۴). اما می‌توان مدعی شد که تا جنگ قادسیه نیز اعراب مکان‌گزینی بر کران بیابان را رها نکرده بودند. در جنگ قادسیه اردوگاه سپاه عرب بر کران بیابان بود و بدین سبب این کار را فرمانده عرب انجام داد که در صورت مغلوب شدن جنگ، سپاهیانش مفری به سوی بیابان داشته باشند. خود زرین‌کوب نیز اشاره نموده که سعد بن ابی وقاص اردوگاه خود را در عذیب بر پا داشت که آخرین مرحله‌ی بیابان بود (همان: ۱۷).

دوره‌ی دیگر در بهره‌گیری از مزیت بادیه مربوط به زمان حضور سلجوقیان در خراسان بود. در پیکارهای میان ترکمانان سلجوقی با غزنویان مکان‌گزینی در بیابان سبب پیروزی سلجوقیان شد. غزها که به زندگی در بیابان خو گرفته بودند نبرد را به شیوه‌ی جنگ و گریز در بیابان انجام دادند. سلطان مسعود که گماشتگان خود را قاصر از دفع

ترکمانان دانست شخصاً به رویارویی با آن‌ها مبادرت ورزید. در چندین جنگ رویاروی سلطان مسعود موفق شد که سلجوقیان را به سختی مقهور سازد. از جمله در یکی از این جنگ‌ها سلطان به تن خویش به جنگ با ترکمانان شتافت و آن‌ها را شکست داد. سلجوقیان پس از شکست، به صحرا گریختند و سپاهیان غزنوی در صدد تعقیب آن‌ها بودند که امیر مانع شد و گفت «بیابان است و خطر کردن محال» (بیهقی، ۱۳۵۰: ۷۵۳). پس از این شکست، سلجوقیان متمایل به مصالحه با سلطان غزنوی شدند و حتی طنغرل و ینالیان توصیه نمودند که از خراسان و مقابل سپاه سلطان مسعود غزنوی بگریزند و به سایر مناطقی چون عراق (عجم) بروند؛ اما چغری بیگ داوود به موقعیت بیابان‌های خراسان و مکان‌گزینی در آن اشاره نموده و گفت که هرچند نفرات و تجهیزات سپاه سلطان مسعود عظیم است، اما «بنه سنگین‌شان دست و پا گیر است». آن‌گاه به سبک‌باری خودشان اشاره کرد که بدون حمل بنه تا سی فرسنگ از یورت‌شان می‌توانستند دور شوند و ضرباتی به دشمن وارد آورند و دوباره به درون دشت عقب بنشینند (بیهقی، ۱۳۵۰: ۷۵۵). بونصر مشکان، دبیر دیوان رسالت غزنویان نیز به این مسأله اشاره نموده و سبب برتری سلجوقیان در جنگ‌ها را نکته دانسته است «با ایشان بنه گران نیست چنان‌که خواهند می‌آیند و می‌روند و با ما بنه‌های گران است که از نگاه‌داشت آن به کارهای دیگر نتوان رسید» (همان، ۷۷۱).

در نبرد نهایی میان سلجوقیان و غزنویان در دندانقان نیز مکان‌گزینی ترکمانان تأثیر وافر در پیروزی‌شان داشت. سلطان مسعود که توانسته بود ترکمانان را شکست دهد، در بیابان مسیر سرخس و مرو به تعقیب آن‌ها مبادرت ورزید. ترکمانان در بیابان موضع گرفتند. در میان راه و در بیابان، بی‌آبی گریبان‌گیر سپاه غزنوی شد. سپاه ناچار از حفر چاه شد که از شتاب آن‌ها بسیار می‌کاست و حسب معمول آب کافی نیز حاصل نمی‌شد. بنابراین بر سر آب ناچیزی که استحصال می‌شد، میان افواج سپاه اختلاف پدید آمد. سلجوقیان نیز مانع دست‌یابی سپاه غزنوی به آب بودند. از سویی چاه‌های موجود در واحه‌ها توسط سلجوقیان آلوده شده بود و از سوی دیگر به نقل گردیزی «همه دشت و کوه را ترکمانان گرفته بودند و راه‌ها بر لشکر غزنین بسته بودند» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۶). بنابراین در موضع دندانقان سپاه غزنوی پیش رویارویی جدی با سلجوقیان توان خود را از دست داد و «بسیاری از سالاران لشکر گریختند و حرب نکردند و پشت بدادند و به‌هزیمت رفتند» (همان، ۴۳۷). یکی از اسباب مهم شکست سپاه غزنوی موقعیت

راهبردی اردوگاه جنگی آن‌ها و سلجوقیان بود. بونصر مشکان، صاحب دیوان رسائل دولت غزنوی، با لحنی معترضانه در این مورد گفته است: «هرکجا سنگلاخی و خارستانی باشد لشکرگاه ما آن‌جا می‌باشد و این قوم بر خوید و غله فرود آیند و جای‌های گزیده‌تر و یخ و آب روان یابند و ما را آب چاه بپاید خورد، آب روان و یخ نیابیم و اشتران ایشان به کنام علف توانند شد و از دور جای علف توانند آورد و ما را اشتران در لشکرگاه بر در خیمه باید داشت که بکران لشکرگاه نتوانند چرانید» (بیهقی، ۱۳۵۰: ۷۷۱).

۲- مکان‌گزینی در کوه و درّه

کوهستان‌ها پناهگاه امنی برای مخالفان حکومت مرکزی و یکی از مؤلفه‌های تمرکزگرایی بود. از جمله کوه‌های طبرستان و دیلم که از مهم‌ترین مناطقی بودند که جهت مکان‌گزینی در جنگ استفاده می‌شدند. به سبب وجود کوه‌ها به عنوان استحکامات طبیعی بود که دیلمیان دیرتر از سایر ایرانیان تحت سیطره‌ی اعراب در آمده و آداب و رسوم باستانی در میان مردم دامنه‌ی شمالی کوه‌های البرز پایدارتر ماند. مسلمانان از اعمال سلطه‌ی دائم بر دیلم و طبرستان عاجز بودند. به گاه شکست سپاهیان دیلمی در جنگ، کوه پناهگاه اصلی ایشان به شمار می‌رفت که در آن حدود مأوا می‌گزیدند. یکی از این موارد، شکست علویان طبرستان از یعقوب لیث صفاری بود. یعقوب در سال ۲۶۰ هـ.ق به طبرستان لشکر کشید و برانداختن حکومت علویان طبرستان را در سر می‌پروراند. اگر چه لشکر صفاری سپاه حسن بن زید را در هم کوبید و ساری و آمل را تصرف نمود، لکن گریز حسن بن زید به کوه‌های دیلمان (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۲۳) و مکان‌گزیدن بدان حدود سبب عقیم شدن ظفر یعقوب شد. سپاهیان یعقوب در پی جویی حسن بن زید به تنگه‌ای رسیدند که دیلمیان بر آن تسلط داشتند و حتی زنان دیلمی به مردانشان گفتند که «بگذارید داخل شود و ما شما را از جنگ او بی‌نیاز می‌کنیم». یعقوب نیز از داخل شدن در درّه هراسید و به سپاهیان‌ش گفت اگر طریق دیگری غیر از این تنگه بود وارد می‌شدیم، ولی مسیر دیگری نیست (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۸ / ۱۲۴). افزون بر این، به دلیل موقعیت جغرافیایی طبرستان و باران زیاد (که چهل روز ادامه داشت) و شدت سرما، تعداد زیادی از سپاهیان صفاریان هلاک شدند. ابن اثیر و سیستانی هر دو تلفات سپاه یعقوب در این لشکرکشی را حدود چهل هزار نفر دانسته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۸ / ۱۲۵؛ سیستانی، ۱۳۴۴: ۵۹). فرمانروایان دیگر نیز به مقتضای شرایط جغرافیایی طبرستان، در هجوم به آن‌جا، گرفتار

صعوبت می‌شدند. خاصه سامانیان (که پس از تسلط موقتی) به‌رغم یورش‌های چند باره، عاجز از تسلط بی‌واسطه بر طبرستان بودند. در یکی از این یورش‌ها نصر بن احمد سامانی با سی هزار سپاهی به طبرستان لشکر کشید «تا به کوهستان طبرستان رسید ابونصر نایب داعی به شهریار کوه بود، راه‌ها بیفگند و نصر بن احمد را به کوهستان فرو گرفت» نصر و سپاهانش دچار کمبود آذوقه شدند و ناچار با پرداخت مال از محاصره‌رهایی یافتند (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۳۱۳/۱). بعدها مسعود غزنوی نیز در حمله به طبرستان به همین صعوبت مبتلا گشت. وی در سال ۴۲۵ ه‍.ق به آمل و ساری لشکر کشید. مردم منطقه «بر راه آمده بودند و اندر بیشه‌ها و زاویه‌ها فوج فوج کمین کرده بودند» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۲۷).

قفص‌ها نیز به سبب مکان‌گزینی در کوه و دره قادر بودند اغلب حمله‌ها را دفع نموده و مناطق جنوبی کرمان را تحت سلطه‌ی خود داشته باشند. شیوه‌ی جنگی قفص‌ها این بود که اگر معاندان را قوی‌تر از خود می‌دیدند به کوه‌ها پناه می‌بردند و جنگ در کوه‌ها به سود هیچ مهاجمی نبود (مرسلپور، ۱۳۸۷: ۵۴). از جمله در پیکار آن‌ها با معزالدوله دیلمی مکان‌گزینی در کوه و دره تأثیر زیادی داشت. معزالدوله قصد رویارویی و جنگ با قوم قفص را داشت؛ اما آن‌ها در تنگه‌های میان کوه‌ها موضع گرفته و ناگاه بر لشکر دیلمی تاختند (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۵). مسکویه نیز می‌نویسد علی بن کلویه رهبر قفص‌ها در تنگه‌ای میان دو کوه کمین نمود و با این مکان‌گزینی توانست بر معزالدوله چیره شود (مسکویه، ۱۳۷۶: ۶۶۷/۵). موضعی که قفص‌ها برای جنگ برمی‌گزیدند، دره‌ها و کوه‌های حوالی جیرفت بود که شرایط جغرافیایی منطقه امکان چیرگی آن‌ها بر خصم را فراهم می‌نمود. اگرچه عضدالدوله توانست بر قفص‌ها غالب شود، اما سلطه دیلمیان بر قوم قفص مداومت نداشت. آخرین فرمانده دیلمی که برای شکست دادن قفص‌ها به کرمان لشکر کشید شخصی بنام معین‌الدین ابوالخیر دیلمی بود که همانند معزالدوله شکست خورد (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۵). تنها قاورد سلجوقی بود که با نیرنگ توانست بر قفص‌ها چیره شده و قدرت آن‌ها را معدوم سازد. قاورد در ابتدا با قفص‌ها مصالحه نمود و به سرکرده‌ی آن قوم نوشت که نایب او در مناطق جنوبی کرمان باشد. سپس به واسطه‌ی یکی از یارانش به تفرقه میان سران قفص اقدام نمود. در نهایت قاورد غافلگیرانه در سحرگاهی (در حالی که شب قبل در حال پایکوبی بودند) به قفص‌ها

شبیخون زده و آن‌ها را از میان برد و به نقل افضل‌الدین حتی یک کودک زنده نگذاشت (همان، ۱۲۳).

منطقه غور نیز به سبب برخورداری از کوهستان‌های صعب‌العبور، مشکلات عدیده‌ای برای حکام و فرمانروایان برای تسلط بر آن سامان پدید می‌آورد. خاصه غزنویان با مسأله تسلط بر غور مواجه بودند. در سال ۴۱۱ هـ.ق سلطان مسعود غزنوی عازم غور شد که مردم آن در کوه‌ها موضع گرفتند و به «قلعت‌های استوار که داشتند اندر شدند و جنگ بسیجیدند». غور حصارهای بلندی داشت که مهم‌ترین آن در جایی موسوم به «وی» بود. مردم آن منطقه در بالای کوه موضع گرفتند و «گذرها و راه‌ها بگرفتند و بانگ و غریو برآوردند و به فلاخن سنگ می‌انداختند». اما به نقل بیهقی «آن کوه پست بود و خاک‌آمیز و از هر جانبی به شدن راه داشت» و مسعود سپاهیان را از چندین راه به بالای قلعه فرستاد و آن را فتح نمود (بیهقی، ۱۳۵۰: ۱۳۷-۱۴۱). در شورش غوریان علیه سلطان سنجر نیز مکان‌گزینی در جنگ استفاده شد.

در نبرد آلپتگین با لشکر سامانیان نیز مکان‌گزینی در کوه و دره تأثیرگذار بود. آلپتگین که از تعداد افراد کم‌تری نسبت به سپاه سامانی برخوردار بود، از برابر ایشان به سوی بلخ گریخت. در نزدیکی شهر کوچکی به نام «خلم» سپاه سامانی به او رسید. آلپتگین در تنگه‌ای میان دو کوه سپاهیان خود را استقرار داد. تنگه به گونه‌ای بود که تعداد معدودی قادر بودند هم‌زمان از آن بگذرند. لشکر سامانی نتوانست با جمعیتی انبوه از تنگه بگذرد و ناگزیر به تدریج از آن گذشت. بنابراین اسیر هجوم سپاهیان مستقر در تنگه شده و بدون این‌که بخش اعظم سپاه سامانی وارد جنگ شود، آلپتگین آن‌ها را شکست داده و مانع از پیشروی‌شان شد (نظام الملک، ۱۳۸۴: ۱۳۷؛ کمالی، ۱۳۹۴: ۱۸).

گاه نیز رها کردن کوه سبب تعیین نتیجه جنگ می‌شد. از جمله در جنگ جانشینی طغرل بیگ سلجوقی این مسأله در نتیجه جنگ تأثیرگذار بود. قتلش فرزند ارسلان اسرائیل که مدعی آلب ارسلان جهت به تخت نشستن به شمار می‌رفت، برای کسب جانشینی طغرل در گردکوی کمین کرده بود. احتمالاً در گردکوی موضع او مستحکم بود، لکن از این‌رو که سلطنت را حق خود می‌دانست از کوه فرود آمد تا پیش از رسیدن سپاه آلب ارسلان ری را تصرف نماید (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۷۲۵/۲). آلب ارسلان سپاهی از نیشابور به ری گسیل نمود که از راه بیابان به سوی ری آمدند. قتلش تاب مقاومت در برابر لشکر متشکل‌تر و قدرتمندتر آلب ارسلان را نیافت و پس از هزیمتی سخت، به

گردکوی گریخت و پس از مدتی پیکر بی جان او را در کوه یافتند. بنداری معتقد است که مرگ او به سبب سقوط از اسب بوده است (بنداری، ۱۳۵۷: ۳۴). قتلش سپاهی قبیله‌ای و نامنظم داشت که تاب مقاومت در برابر لشکر آلب ارسلان نداشت و مهم‌ترین اشتباه وی نیز در مکان‌گزینی رخ داد. وی در گردکوی موضع مستحکمی داشت؛ اما جهت در اختیار گرفتن ری از کوه فرود آمد که به هزیمتش انجامید. در نتیجه جنگ قبطان نیز مکان‌گزینی در دره تأثیرگذار بود. گورخان قراختایی سپاهیان را در دره‌ای بنام «درغم» مستقر ساخت (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۶/۵۴-۵۵). اگرچه منابع اشاره‌ای ننموده‌اند؛ لکن این اقدام احتمالاً بدین سبب انجام شد که تمامی افواج سپاه سلطان سنجر ناتوان از ورود به جنگ باشد. گورخان با مکان‌گزینی در دره سبب شده که تمامی سپاه سنجر هم‌زمان به جنگ مبادرت ننماید. ابن اثیر نیز به ده هزار جسد برجای مانده از مسلمانان در دره «درغم» اشاره نموده که نشان می‌دهد موضع جنگ بوده است (همان، ۵۵/۲۶).

۳- بهره‌گیری از آب در مکان‌گزینی

مکان‌گزینی با استفاده از آب و به خصوص رودخانه به عنوان حائل و مانع، از روش‌های مرسوم در جنگ‌های قرون نخستین اسلامی بود. یکی از طرق مهم بهره‌گیری از آب، حفر خندق به دور باروی شهر و آب بستن به آن به گاه جنگ بود. این ابتکار شیوه‌ی اثرگذاری برای ممانعت از تصرف شهر به حساب می‌آمد. خاصه به گاه تهاجم مهاجمانی که آلات و ادوات قلعه‌گیری نداشتند، موقعیت محصورین مستحکم‌تر می‌گشت. یکی از این موارد مربوط به زمانی بود که سلطان‌شاه بن تکش خوارزمشاه در تکاپوی بیرون آوردن سرخس از چنگ ملک دینار برآمد. ملک دینار پس از شکستی فاحش، خود را به خندق قلعه انداخت. وی را از خندق بیرون کشیدند و در داخل قلعه متحصن شد. بدین سبب ملک دینار با بهره‌گیری از این خندق توانست در برابر سلطان‌شاه مقاومت نموده و او را ناگزیر ساخت که محاصره را ترک نماید (جوینی، ۱۳۸۵: ۳۸۸). رافع بن هرثمه نیز زمانی که مورد هجوم عمرو لیث صفاری قرار گرفت و نزدیک بود خزائنش از دست برود، از آب بهره گرفت. وی خزائن را در حصاری مستحکم قرار داد و آب بر گرد آن بست. بستن آب سبب شد که زمین چنان نرم شود که پیاده و سواره از آن گذر نمی‌توانست نمود (حسینی حائری، ۱۳۴۲: ۳۰۷).

رودها و بویژه دجله و فرات و جیحون موانعی طبیعی بودند که با مکان‌گزینی مناسب، در جنگ‌ها مورد بهره‌گیری قرار می‌گرفتند. نخستین جلوه‌های مکان‌گزینی با بهره بردن از رودخانه، در جنگ جسر بود. سپاه عرب در غرب فرات در مروحه اردو زد و در شرق رود نیز سپاه ساسانی در قس الناطف لشکرگاهش را مستقر ساخت (طبری، ۱۳۷۵: ۱۶۰۰/۴). اردو زدن بر کران رودخانه اقدامی احتیاطی جهت ممانعت از حمله غافلگیرانه بود. پلی این دو بخش رود را به هم مرتبط می‌نمود. اعراب از پل گذشتند اما پس از مغلوب شدن جنگ و از بین رفتن جسر، با متحمل شدن تلفات بسیار و ساختن پلی دیگر بازگشتند. در نبرد بویب نیز نهری از فرات با عنوان بویب حائل مسلمانان و اعراب بود. با این تفاوت که این بار ایرانیان از پل گذشته و به سپاه عرب هجوم بردند و شکست سنگینی را متحمل شدند.

گاهی یکی از حکومت‌های متخاصم تلاش می‌نمود با استفاده از رودخانه از هجوم دشمنان ممانعت نماید. یکی از گماشتگان خلیفه با نام مسرور بلخی در واسط با ایجاد شکاف در بندهای دجله مانع پیشروی یعقوب لیث صفاری شد. یعقوب ناگزیر از توقف شد تا این بندها را ببندد (همان، ۶۴۴۹) و خلیفه فرصت کافی برای جمع‌آوری و آرایش سپاه پیدا کرد. همچنین در زمانی که یعقوب عازم تصرف فارس شد، علی بن حسین والی آن سامان به مقابله با وی شتافت و در سمت غربی رود «کر» اردو زد که منفذ کوچکی را که برای عبور سپاه صفاری وجود داشت ببندد. این مکان‌گزینی مؤثر واقع نشد و به دلیل غفلت علی بن حسین و این‌که گمان نمی‌کرد لشکر صفاری بتواند از آب بگذرد، در نهایت از یعقوب شکست خورد. به نقل ابن حماد (منشی علی بن حسین) یعقوب سگی را به داخل آب انداخت و همه سپاهیان بر چارپایان لخت سوار شدند. چارپایان بدون این‌که رم کنند، در پی سگ از رود گذشتند و بر سر سپاه غافل علی بن حسین تاختند (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۴۵۱/۵). طبری نیز این روایت را با اندکی تفاوت ذکر نموده است. وی می‌نویسد که علی بن حسین در کنار باتلاقی فرود آمد و آن باتلاق تا کوه فاصله کمی داشت که تنها یک مرد با اسب می‌توانست از آن گذر کند. وی به یاران خود چنین گفت: «اگر یعقوب بیاید جایی نیابد که از بیابان سوی ما گذر کند که به جز فضایی که مابین کوه و باتلاق هست راهی ندارد که به اندازه عبور یک مرد است و چون یک مرد بر آن بایستد هر که را خواهد گذر کند، باز دارد و چون نتواند به طرف ما گذر کند، در دشت بماند، جایی که نه خوردنی برای وی و یارانش هست و نه علف برای

اسبانسان» (طبری، ۱۳۷۵: ۲۶۷۷/۱۴). اما یعقوب از باتلاق گذشت و از پشت سپاهیان علی بن حسین درآمد و آن‌ها را شکست داد. احتمالاً این جنگ در تجربه‌ی جنگی عمرو لیث اثرگذار بود که پس از به حکومت رسیدن همیشه انبان‌های خالی بر شتران بار کرده و با خود می‌برد و هیچ‌کس سبب آن نمی‌دانست. در یکی از لشکرکشی‌های او، رودخانه-ای مانع شد که معبر نداشت. عمرو فرمود تا انبان‌ها پر سنگ کرده و در آب ریختند تا مانند پلی شد و لشکریان عبور کردند (میرخواند، نسخه خطی: ۱۹/۴).

پل بستن یکی از راه‌های عبور از رودخانه‌ها بود. مسعود غزنوی برای رفتن به ماوراءالنهر از پل بهره گرفت و به نقل گردیزی «بفرمود تا بر جیحون پل بستند و لشکر بر پل گذاره کرد و سوی ماوراءالنهر رفت» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۳۴). همان‌گونه که اشاره شد عمرو لیث صفاری نیز خود را برای عبور از رودها مهیا ساخته بود و زمانی که به او گفته شد که عبور از نهر بلخ دشوار است، پاسخ داد که اگر چنین باشد من آن را با کیسه‌های زر به دست خود خواهم بست و از آن با صرف اموال خواهم گذشت (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/۱۹). راه دیگر عبور از رودخانه استفاده از کشتی بود. محمود غزنوی در جنگ با جت‌ها و بهاطیه که با مکان‌گزینی با بهره‌گیری از آب مانع تسلط غزنویان بودند، حدود چهارصد کشتی ساخت. وی توانست با این کشتی‌ها جت‌ها و بهاطیه را در هم بکوبد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۱۴-۴۱۵). ملک‌شاه سلجوقی نیز برای عبور از جیحون و نبرد با قراخانیان از کشتی استفاده نمود (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۲۸).

مکان‌گزینی در جهت تسلط بر بندهای رودخانه (و سد) و آب بستن بر سپاه خصم، یکی از راه‌های بهره‌گیری از آب در جنگ بود. این نوع مکان‌گزینی یکی از عواملی بود که سبب پیروزی خلیفه معتمد و شکست یعقوب لیث صفاری در جنگ دیرالعاقول شد. نیروهای خلیفه در موضعی قرار گرفته بودند که بر بندهای سد دجله تسلط داشتند. خلیفه دستور داده بود که بر سر راه یعقوب نهر عظیمی حفر کنند، ولی آن را به شط وصل نکردند. سپاه یعقوب نیز در موضعی قرار گرفت که خلیفه آماده کرده بود. باز کردن بندها سبب شد که بخشی از سپاه یعقوب زیر آب برود. مسعودی می‌نویسد که نهر معروف سیب را به طرف یعقوب برگردانیدند و سبب شکست او برگرداندن نهر و به گل رفتن اسبان بود (مسعودی، ۱۳۷۴: ۶۰۰/۲). زرین‌کوب نیز باز کردن بندهای دجله به روی سپاه یعقوب را مهم‌ترین عامل شکست او دانسته است (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۱۱۲/۲). این

عامل تأثیر مهمی در شکست یعقوب داشت و در زمانی انجام شد که سپاه صفاری توانسته بود بخشی از سپاه خلیفه را در هم بکوبد.

در دوره آل بویه نیز مکان‌گزینی با بهره‌گیری از آب تأثیر زیادی در نتایج جنگ‌ها داشت. به سبب موقعیت جغرافیایی عراق و جنگ‌هایی که معزالدوله داشت و مکان‌گزینی دشمنان، وی به ساخت تجهیزات جنگی دریایی مبادرت نمود. قایق‌های بزرگی با عنوان «زیزب» ساخته شد که در جنگ با حمدانیان و لشکرکشی جهت تصرف بصره و عمان مورد استفاده قرار گرفت. یکی از چالش‌های حکومت آل بویه جنگ در بطائح بود. بطائح منطقه‌ای باتلاقی در جنوب بصره بود که شخصی بنام عمران بن شاهین بر این منطقه سلطه داشت و به دلیل شناخت راه‌های باتلاقی، مقاومت زیادی در برابر سلطه دیلمیان انجام داد. باتلاقی بودن منطقه و عدم آشنایی سپاه بویهی با آن‌جا سبب صعوبت حمله به این منطقه می‌شد. عمران بن شاهین فرمانروای بطائح برخی قافله‌های بازرگانی را غارت می‌کرد و معضل بزرگی برای حکومت بویهی شاخه عراق پدید آورده بود. نخستین فرمانروای دیلمی که به بطائح لشکر کشید معزالدوله بود؛ اما هیچ‌گاه نتوانست این منطقه را به‌طور کامل تصرف نماید و ناگزیر مصالحه با عمران بن شاهین را پذیرفت. حتی زمانی که معزالدوله در اواخر عمرش لشکر بزرگی به سوی عمران به راه انداخت و از نیروی نظامی عضدالدوله هم مدد گرفت، در میان راه درگذشت و تصرف بطائح انجام نشد (مسکویه، ۱۳۷۶: ۶ / ۲۸۴). عزالدوله نیز پس از پدرش به بطائح لشکر کشید؛ اما شرایط جغرافیایی منطقه و مکان‌گزینی مناسب عمران سبب شد که او نیز موفقیت چندانی بدست نیاورد. حتی عضدالدوله فرمانروای قدرتمند بویهی که توانسته بود در همه جنگ‌هایش پیروز شود و قلمرو بسیار گسترده‌ای تحت تصرف بگیرد، نتوانست بطائح را فتح نماید. وی وزیرش مطهر بن عبدالله را به جنگ حسن بن عمران بن شاهین فرستاد (که پس از مرگ پدرش جانشینش شده بود). این لشکرکشی نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی منطقه و مکان‌گزینی سپاه حسن در باتلاق‌ها به نتیجه‌ای که انتظار می‌رفت نرسید، لکن ابن عمران پذیرفت که مال و گروگان به دربار عضدالدوله بفرستد.

در پیکار آغازین میان معزالدوله دیلمی با ناصرالدوله حمدانی نیز مکان‌گزینی نقش مهمی ایفا نمود. طی جنگ‌های متعددی که لشکرهای متخاصم دیلمی و حمدانی با هم داشتند، دو سپاه از سامرا و موصل به بغداد آمدند. ناصرالدوله در جانب غربی بغداد اردو زد و سپاه دیلمی در سمت شرقی فرود آمد. سبب گزینش جانب غربی از سوی

ناصرالدوله ممانعت از رسیدن آذوقه به بغداد بود. وی بر موضعی از دجله مسلط شد که مانع رسیدن آذوقه از جزیره به بغداد شود. این اقدام سبب کمبود و گرانی ارزاق در بغداد شد (مسکویه، ۱۳۷۶: ۱۲۵/۶-۱۲۶؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۷۱/۲۰). لکن سپاه ناصرالدوله دچار تنگنا نشد چون در مکانی قرار گرفت که از موصل بدون مانعی برای او آذوقه می‌آوردند. همچنین وی در پشت خندقی موضع گرفته بود که دیلمیان قادر به گذر از آن نبودند. اوضاع برای سپاه معزالدوله توأم با قحطی و شدائد بود و دیلمیان تنها با به‌کار بردن نیرنگ توانستند از این وضعیت رهایی یابند. گروهی از دیلمیان چنین وا نمودند که علیه معزالدوله شورش کرده و می‌خواهند به ناصرالدوله بپیوندند. سپاهیان ناصرالدوله راه خندق را باز کردند تا ایشان گذشتند. دیلمیان به محض عبور از خندق شمشیر کشیده و سپاه حمدانی را در هم شکستند و یاران ناصرالدوله همگی گریختند (مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۱۲۵).

در برخی موارد نیز حکام و امرا پس از شکست خوردن از رودخانه می‌گذشتند و با قطع پل‌ها مانع از تعقیب دشمنان می‌شدند. از جمله‌ی این موارد نبردهای معزالدوله با سپاه خلیفه عباسی بود. توزون پس از شکست از معزالدوله از رود دیالی گذشت و «به آن سو که پشت بغداد است پس نشست و پل‌ها را که بر آن بسته بود ببرد». موضع گرفتن توزون در پشت رود دیالی سبب استیصال معزالدوله شد. آن گاه که معزالدوله قادر به گذر از رود نبوده و نسبت به حمله خصم نیز غافل بود، توزون غافلگیرانه شناکان با تعدادی از سپاهیان از رود گذشت و لشکر معزالدوله را شکست داد (مسکویه، ۱۳۷۶: ۸۱/۶). یاقوت سردار دیگر خلیفه نیز پیش‌تر در سال ۳۲۳ ه‍.ق پس از شکست از علی بن بویه به عسکر مکرّم گریخت و پل مسرقان را برید تا مانع تعقیب ابن بویه شود (همان، ۶۵/۵). یکی از روش‌های مرسوم در مکان‌گزینی تسلط بر منابع آبی و قطع آب شرب خصم بود. حتی اگر محصورین در قلاع بسیار مستحکمی قرار داشتند با قطع منابع آبی ناگزیر از جنگ یا تسلیم به دشمن می‌شدند. اسماعیل سامانی در جنگ با عمرو در موضعی فرود آمد که توانست بلخ را محاصره نماید و همه چیز را بر سپاه عمرو بسته و او را در تنگنا قرار دهد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۰/۱۹). نرشخی می‌نویسد که اسماعیل در موضعی قرار گرفت که عمرو گمان نمی‌کرد، و توانست آب شهر را قطع نماید و عمرو که دور شهر را خندق حفر کرده بود ناگزیر شد از شهر بیرون آمده و با سپاه سامانی

بعجنگد (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۲۳). نتیجه این جنگ چیزی جز شکست و اسارت عمرو لیث نبود.

۴- مکان‌گزینی در جهت وزش باد

گاهی وزش باد در تعیین نتیجه جنگ تأثیرگذار بود. معمولاً سپاهیان تلاش می‌نمودند تا در جهت مخالف وزش باد مستقر نشوند، زیرا در این صورت نمی‌توانستند از آتش در نبرد بهره ببرند و در تیراندازی آن‌ها نیز محدودیت‌هایی پدید می‌آمد. اگرچه نمی‌توان به قطع مدعی شد که همواره سپاهیان عامدانه در جهت وزش باد مستقر می‌شدند؛ اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که این روش یک استراتژی جنگی بوده است. در جنگ دیرالعاقول میان یعقوب لیث صفاری و خلیفه معتمد عباسی وزش باد به زیان صفاریان شد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۳: ۴۰۶). یکی از سرداران خلیفه آتشی در بنه‌ی یعقوب افکند که شعله‌ور شد و تعداد زیادی از احشام و بنه‌ی سپاه صفاری از بین رفت. سرزنش ابوساج داوود به یعقوب در مورد استقرار در جهت خلاف وزش باد نشان‌گر آن است که این روش یک راهبرد جنگی بوده است. پس از شکست یعقوب در دیرالعاقول ابوساج داوود به نکوهش او پرداخته و به بی‌تدبیری در جنگ متهم نمود. وی به یعقوب گفت که چگونه در جایی پانهادی که اندک اطلاعاتی از وضع طبیعی آن‌جا نداشتی و در حالی که باد پیش روی تو بود جنگ را شروع کردی (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۴۵۸/۵).

در جنگ میان علی بن بویه با یاقوت والی عباسی فارس نیز مکان‌گزینی در جهت مخالف وزش باد به مدد سپاه بویهی آمد. سپاه یاقوت بسیار پرشمارتر و قدرتمندتر بود. یاقوت حدود هفده هزار سپاهی داشت و ابن بویه تنها هشتصد نفر با خود داشت. در جنگ‌های اولیه پیروی با یاقوت بود و ابن بویه چندین بار درخواست مصالحه نمود. یاقوت که از پیروزی‌های خود سرمست بود این درخواست‌ها را نپذیرفت. در پیکار نهایی، یاقوت پیادگان «نفتگر آتشباز» را در جلوی سپاه خود قرار داده بود. این اقدام در صورتی بود که باد در جهت سپاه وی در حال وزش بود. نفتگران آتشباز تلاش نمودند تا در سپاه بویهی آتش بیفکنند؛ اما وزش باد سبب شد که آتش به سوی خودشان باز گشته و یک رده از سپاه یاقوت را فرا بگیرد. دیلمیان نیز به همان بخش حمله کرده و آن را در هم کوبیدند. یاقوت که چنین دید عقب نشسته و بر بالای تپه‌ای رفت. او قصد داشت زمانی که دیلمیان به غارت غنائم مشغول شوند، به آنها حمله نماید. اما ابن بویه

مانع اشتغال سپاهیان به غنائم شد و یاقوت که چنین دیده بود، ناگزیر از گریز شد (مسکویه، ۱۳۷۶: ۵ / ۳۷۹-۳۸۰). ابن اثیر نیز شکست و عقب‌نشینی یاقوت را به جهت وزش باد مخالف دانسته که آتشی که قصد داشتند به سپاه آل بویه بیندازند به لشکر خودشان افتاد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۹ / ۳۰۰).

در جنگ میان عمرو لیث صفاری و اسماعیل بن احمد سامانی نیز باد تأثیرگذار بود. عمرو هفتاد هزار سوار داشت «همه بر گستوان‌پوش و با سلاح و عدت تمام» و مطبخ او را چهارصد شتر می‌کشید (نظام الملک، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۹) که نسبت به سپاه امیر اسماعیل از نظر تعداد و ادوات بسیار برتر بود. تعداد سپاه اسماعیل را ده هزار نفر ذکر نموده‌اند. نظام‌الملک گویا به مکان‌گزینی نیز نظر داشته که می‌نویسد عمرو «به در بلخ گرفتار شد» در حالی که به یک تن از سپاهیان جراحی نرسید (همان، ۱۹). احتمالاً منظور نظام الملک همان مکان‌گزینی اسماعیل بود که سبب کمبود آب شرب در سپاه عمرو شد. اما تاریخ سیستان روایت متفاوتی دارد و به نقل تاریخ سیستان وزش باد به سمت سپاه عمرو از عوامل مهم شکست صفاریان بود: «بادی درآمد چون صاعقه که روز شب گشت، و لشکر عمرو هزیمت کردند» (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶: ۲۵۶).

گاهی این بادهای ناگهانی بوده و ارتباطی با مکان‌گزینی نداشت، مانند مورد جنگ طلخاب میان سلجوقیان و غزنویان که مشکلات زیادی برای سپاه غزنوی به وجود آورد. در جنگ طلخاب میان سلجوقیان و سلطان مسعود «بادی خاست و گردی که کس مر کس را نتوانست دید و نظام تعبیه‌ها بدان باد بگسست» (بیهقی، ۱۳۵۰: ۷۶۰). نمی‌توان به اطمینان مدعی شد که سلجوقیان از باد به عنوان حربه‌ای جنگی بهره گرفته باشند و به احتمال زیاد در این مورد و برخی موارد دیگر مکان‌گزینی در جهت موافق وزش باد آگاهانه و عامدانه نبوده است.

نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه بیان شد شناخت جغرافیای ناحیه‌ای که نبرد در آن رخ می‌نمود حسب معمول از ملزومات استراتژی جنگی بود. فقدان شناخت نسبت به منطقه جنگی و عدم گزینش مکان مناسب برای پیکار در بسیاری از موارد علی‌رغم برتری عددی و ادوات، سبب مقهور گشتن یک لشکر می‌شد. بنابراین، مکان‌گزینی یکی از اسباب عمده استراتژی جنگی در تمام ادوار بود که در این مقاله به سبب اجتناب از اطناب بر بخش‌های از تاریخ

ایران بخصوص صفاریان تا پایان سلجوقیان تأکید گردید. حکامی که در رهبری سپاهیان در جنگ تبحر زیادی داشتند، حسب مورد برای اسباب گوناگون جنگی و پیکار در مکان‌های مختلف و همچنین عبور از موانع طبیعی خود را مهیا می‌ساختند. مکان‌گزینی به مقتضای شیوه‌ی زیست، مکان و معیشت امرا و سپاهیان‌شان ناهمسان بود. سپاهیان متخاصم در تکاپوی بهره‌گیری از بادیه، کوه، آب و حتی باد برمی‌آمدند. صحراگردان عموماً در بادیه موضع می‌گرفتند و این مسأله موقعیت برتری برای ایشان در برابر سپاهیان متشکل پدید می‌آورد. گاهی مکان‌گزینی در کوه و دره انجام می‌شد و کوه‌نشینان، اغلب موضع‌گیری خود را در کوه‌ها و دره‌ها انجام می‌دادند و این نوع مکان‌گزینی سبب صعوبت چیرگی دشمنان می‌گشت و در بسیاری از موارد به استقلال حکام خرد می‌انجامید. در برخی موارد نیز کشاندن میدان جنگ به دره‌ها سبب می‌شد خصم نتواند از تمامی سپاهانش هم‌زمان بهره‌گیرد.

بهره‌گیری از آب و مکان‌گزینی با استفاده از آب نیز در جنگ‌ها معمول بود. تسلط بر منابع آبی و محروم نمودن سپاه خصم از آب و پدید آوردن موانع به واسطه‌ی رودها و خندق نیز تأثیر زیادی در نتیجه جنگ یا رهایی از محاصره یا تعقیب خصم داشت. تسلط بر بندها و سدها و آب بستن بر سپاه دشمن نیز یکی از راه‌های بهره‌گیری از مکان‌گزینی بود. گاه جهت وزش باد، عامل تعیین‌کننده نتیجه جنگ بود. اگرچه نمی‌توان مدعی شد که همواره لشکریان این مورد را مدنظر داشته‌اند. بنابراین بدون انکار و نفی سایر موارد دخیل در نتیجه جنگ، می‌توان مدعی شد که مکان‌گزینی از اسباب عمده تعیین نتیجه جنگ در قرون نخستین اسلامی بوده است.

فهرست منابع و مأخذ

- ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۷۱). *الکامل فی التاریخ*، ترجمه حالت-خلیلی، جلد‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۶، تهران: انتشارات علمی.
- ابن اسفندیار، (۱۳۲۰). *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، تهران: کلاله خاور.
- ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۳۶۳). *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، (۱۳۶۴). *وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان*، محقق احسان عباس، جلد ۵، قم: الشریف الرضی.

- ابوالفداء، عمادالدین، (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- افضل‌الدین ابوحامد کرمانی، (۱۳۵۷). *عقد‌العلی للموقف‌الأعلی*، تصحیح عامری نایینی، تهران: انتشارات روزبهان.
- _____ (۱۳۲۶). *بدایع‌الأزمان فی وقایع کرمان*، فرآورده مهدی بیانی، تهران: بی‌نا.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۸۶). *یعقوب لیث*، تهران: انتشارات علوی.
- باسورث، ک.ا، (۱۳۸۴). *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بنداری، فتح بن علی، (۱۳۵۷). *تاریخ سلسله سلجوقی*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بیهقی، ابوالفضل، (۱۳۵۰). *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه مشهد.
- *تاریخ سیستان*، (۱۳۶۶). به کوشش ملک‌الشعراى بهار، تهران: انتشارات کلاله خاور.
- ترکمنی‌آذر، پروین، (۱۳۹۲). *دیلمیان در گستره تاریخ*، تهران: سمت.
- جوینی، عظاملک، (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح محمد قزوینی و سید شاهرخ موسویان، تهران: انتشارات دستان.
- جوزجانی، منہاج سراج، (۱۳۶۳). *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- حسینی حائری، مجدالدین محمد بن ابی طالب، (۱۳۴۲). *زینہ المجالس*، تصحیح داوود شیرازی، تهران: کتابفروشی سنایی.
- راوندی، محمد بن علی، (۱۳۶۴). *راحه‌الصدور و آیه‌السرور*، تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۶). *تاریخ مردم ایران*، ج دوم، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۹). *فتح ایران به دست اعراب و پیامد آن*، در تاریخ ایران کمبریج، گردآوری ریچارد فرای، ترجمه حسن انوشه، ج چهارم، تهران: امیرکبیر.
- سیستانی، ملک‌شاه حسین، (۱۳۴۴). *احیاء‌الملوک*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد‌های ۱۴ و ۱۵، تهران: انتشارات اساطیر.
- کمالی، امیر، (۱۳۹۴). «نقش مکان‌گزینی در نتایج جنگ‌های غزنویان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی*، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۱۱۱ | بررسی نقش مکان‌گزینی در جنگ با تأکید بر جنگ‌های حکومت‌های ...

- گردیزی، عبدالضحاک، (۱۳۶۳). تاریخ گردیزی، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن، (۱۳۷۴). مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسکویه، ابوعلی، (۱۳۷۶). تجارب الامم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۵، تهران: انتشارات توس.
- مرسلپور، محسن، (۱۳۸۷). تاریخ سلجوقیان کرمان، کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.
- محمد بن ابراهیم، (۱۳۴۳). سلجوقیان و غز در کرمان، تصحیح باستانی پاریزی، تهران: کتابخانه طهوری.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بلخی، (نسخه خطی). روضه الصفا، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره ثبت ۸۱۶۵۲۸.
- نرشخی، ابوبکر، (۱۳۶۳). تاریخ بخارا، تهران: انتشارات توس.
- نظام‌الملک، حسن بن علی، (۱۳۸۴). سیاست‌نامه، به کوشش جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.

The Role of Positioning in Wars Emphasizing Wars in the Eras of Saffarids, Buyids and Seljuqs

Mohsen Morsalpour *

Abstract

Using geographic features was considered as an important war strategy in the early Islamic centuries. Positioning sometimes took place on the edge of deserts where nomads generally used this method against regular troops. The troops and people living in the mountains used to take positions in the mountains and valleys in times of war. In some cases, the river banks or the opposite direction of the wind were also chosen as fighting positions. The present paper studies the role of positioning which has been mostly neglected in new research, except for one study. Taking an analytical approach and by exploring historical first-hand sources, it thus analyzed the role of positioning in the outcomes of the wars of the first centuries of Islam highlighting Saffarids, Buyids and Seljuqs eras. In response to the main question of the study, which was the aforementioned role, given the habitation and ways of life of the warriors, it was argued that positioning played a very important role in determining the outcomes of wars and that by benefiting from natural features, positioning was considered as part of the war strategy and an influential factor in determining the outcome of the war in that historical epoch.

Keywords: positioning, war, Buyids, Saffarids, Seljuqs.

* Associate Professor of History, University of Sistan and Baluchestan; Email: morsalpour@lihu.usb.ac.ir.

|Received: February 9, 2019; Accepted: July 22, 2019 |